



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد.



۲۰۲۰/۰۷/۲۳



رفعت حسینی

## ادبیات لهو و لهب

از پدیده های خیلی همه گیر در شعر پارسی، از آغار تا کنون، باده و باده گساری می باشد. بخش گسترده بی در ادبیات پارسی، ادبیات شراب نوشی است.

بیا ساقی اسباب می ساز کن

سر خم به نام خدا باز کن

حکیمی که گردون گردان نهاد

به خم بدن ، باده عجان نهاد

..

چو خضرم هر زمان می شد حیات جاودان حاصل

که می در ظلمت شب عین آب زندگانی بود

خواجهی کرمانی

...

شرب مدام زندگی جاودان بود

آب حیات غیر شراب شبانه نیست

صائب

...

رودکی چنگ برگرفت و نواخت

باده انداز ، کو سرود انداخت

رودکی

شراب خوردن و عقل و معرفت و انسانی زیستن را فراموش کردن، در تاریخ ادبیات پارسی به قدری اهمیت دارد که جریانی به وجود می آید که جزو انواع مهم ادبی محسوب می شود؛ فصلی یا نوعی ادبی به نام {ساقی نامه}.

بایستی مدبرانه یاددهانی نمود که در ادبیات گذشته و امروز پارسی، رکن ساختاری آن، ایجاد نمودن زندگی انسانی ، استوار بر معاییر و موازین تدبیر و خردمندی و دادگری و برابری، هرگز نبوده است و نیست!

مهمترین و مستندترین پدیده در ادبیات پارسی، ادبیات {اجیر} و شعر و ادبیات درباری می باشد. یعنی ادبیات لهو و لهب.

و در دنیای لهو و لهب ، لفاظی، حُسن خیال ، باده نوشی و مداحی ، رواج دارد و مایه مباحثات است و سرفرازی!!!

ادبیات و شعر وابسته و مزدور نیز بخش بزرگ و گسترده در زندگی اجتماعی جغرافیای لسان پارسی می باشد.

در شعر و ادبیاتی وابسته به بیداد و استبداد، اگر قاننی و عنصری و فئالانی و بسمدانی ، در مدح ستمگرو خوبی های

نوشیدن باده و مستی، معیار های بدیع و بیان را پیاده نموده و از واژه ها و ترکیب های زُبد کار گرفته باشند، یعنی

چی؟؟؟؟

این چی گونه شعر ارزنده و شایسته و باوقار و حیثیت است؟

در بسیاری موارد شاعر از مظاهر زیبای طبیعت چون غروب و بهار و بادبهاری و پاییز آغار می کند و سپس به نوشیدن

شراب انگوری الکل دار می پردازد و در هنگام سرکشیدن جرعه ای از آب انگور تخمیر شده، پله به پله از نردبان اندام

نازنین <سپید زنی>، با پردازش های شهوانی شبیه پورنوگرافی های مدرن امروزی، از پستان ها و پله های کون و ران

های نیمه یا بیخی برهنه وی، به لذت جنسی می رسد و <ارگاسم> او مکمل می شود. و بی پایان می رسد.

و شاعر هوشمند بنیکویی می داند که شنونده و خواننده سروده اش بدنبال چیست!

گاهی شاعرانی از وصف طبیعت و یا تشریح آن آغار می کند و سپس یکجایی باده نوشی و به ستایش مردی

ستمگرو بیداد پرور می پردازد و بنیاد شعر و ادب را از بی ادبی و مزدور خوبی و سود بردن از واژه ها ، بفرغان و گریه

کردن در می آورد.

زمانی اندیشمندی مانند خیم باده نوشی را گونه‌ی بی بهانه می سازد و افکار ستره‌ی بی را بر مبنای نیهلیزم و پوچی گرای بی انسان‌های دیگر می رساند.

یکی از توویرها وریکاری هاودروغ های وحشت انگیز در شعر خجسته! پارسی، می یا [شراب عرفانی!!!] است. شاعر در شعرش از شراب اصلی و واقعی سخن می زند و از سبب نیاشامیدن شراب در حسرت بصری برد ویا آنکه شراب بیخی و واقعی را سمری کشد و لذت ها می برد. مگر به من ابله و نادان،

[مفسران] یف می کنند که این شاعر باور به الله دارد. عارف اسلامی می باشد و بحیث مسلمان حقیقی، به گیرودار جهان می اندیشد. این سرودگر، متفکر بیست در پیرامون ایجادگردنیا و پهنای آن و در زیر پرچم {مبارک} اسلام گام بر میدارد. آن چه شاعر سروده درباره شراب واقعی نیست. شاعر در حسرت معبود بزرگ (الله) بصری برد. طنز زیرین را بخوانید:

«رفتم دوکان مشروب فروش مشروب بخرم دیدم مشروب فروش در سابق معلم فارسی ما بود. گفتم استاد ساقی شدیدی؟ گفت در اینجا هم منظور ازین شرابی که در بوتل است می عرفانی میباشد، اوبی ادب!» یکی از گلموره های شعر پارسی در زمینه {شراب مطهر عرفانی}، حافظ شیرازی است. حافظ که بوی لقب {لسان الغیب!} را نیز (پرتاب) نموده اند، شراب خواره قهاری بوده است. دانش امروزی، بچنین مردی، «الکلک» می گوید! رودکی {پدر شعر فارسی!}، قصیده مستقل و کاملی در وصف شراب انگوری و هم شیوه پسندیده ساختن شراب دارد.

منوچهری آنقدر فراوان، اشعار {خمریه} و در ستایش انگور و شراب خواری و مستی دارد که به کارآزمودگی او در شناسایی الکل و تأثیرات الکل بر اندیشه و احساس و خیال، باور و یقین می کنید. منوچهری شاعر طرب، شاعر شراب و شاعر طبیعت نامیده شده است. (تقویم عشرت) هفتگی اش اینگونه است: «در همه ایام هفته هیچ کاری شایسته تر و دلنوازتر از شراب نوشی نمی یابد. شنبه را به آیین موسی جام می گیرد، یکشنبه را به همراهی ترسایان ساغرمی ستاند؛ دوشنبه را به رسم موبدان به باده می نشیند؛ سه شنبه را بهانه‌ی بی ندارد اما برای آنکه عیش هفته را تیره نکند به کار آب میبردازد. چهارشنبه را که پندار عامه روز بلا می داند بهتر از آنچه در جام دارد چه وسیله ای می یابد که آن را به عافیت به سر آورد. پنج شنبه که روز می زدگی و خمار است راحت خویش را از همان جام می جوید» (زرین کوب، باکاروان حله، ۵۷ و ۶۲). منوچهری در خیلی از قصاید خود ابتدا طریقه ساختن شراب را بیان می کند. کسایی مروزی، ابوشکور بلخی، ابوالعلاء ششتیری، دقیقی، فرخی (توصیف های مفصل مجالس شراب خواری پادشاه غزنوی)، ابوالفرج رونی، خاقانی، قطران تبریزی، لامعی گرگانی، مسعود سعد سلمان، عمق بخارایی، مختاری غزنوی، انوری (قطعاتی دارد با عنوان های: در التماس شراب - در طلب شراب و ...) همگی شاعران توصیفگر شراب انگوری اند. این شاعران درباری هستند و تربیت یافته مجالس شراب نوشی شاهان. اشعار آن ها اگرچه از نظر زیبایی و شیوه بیان بسیار متنوع است اما مضامین آنها کم و بیش یکسان است و تنوع چندانی ندارد. این نوع اشعار از هر گونه مفهوم ارزشمند و رمزی عاری هستند.

... ساقی نامه سرایی تقریباً به صورت منظم و مستقل، از قرن هشتم هجری آغاز می شود؛ نخستین ساقی نامه مستقل را شاه شجاع (م ۷۸۶ ه.ق) در قالب مثنوی می سراید و بعد حافظ، فخرالدین عراقی، امیر خسرو دهلوی، خواجوی کرمانی و جامی یکی پس از دیگری این نوع ادبی را زور آزمایی می کنند. ساقی سرایی ادامه پیدا می کند تا اینکه اوج این نوع را در دوره صفوی می بینیم. خطاب در همه ساقی نامه ها به خود «ساقی» است. دو تذکره معروف که به این ساقی نامه ها پرداخته و شرح احوال شاعران آن ها را نیز گرد آوری کرده است: \*تذکره میخانه ملا عبد النبی فخرالزمانی \*تذکره پیمانه احمد گلچین معانی

من، نگارنده این جمله ها با عنوان ادبیات لهو و لهب، هیچگاهی و هرگز در سایه اندیشه های سیاسی و دینی نمی نویسم. در فرهنگ کشورهای غیر مسلمان، در بسیاری کشورها نوشیدن شراب (و این سرخ) با مقدار اندکی الکحول، پیش و پس از دین مسیحی، آزاد و مروج است. مگر در شعر لسان های فرانسوی و روسی و جرمنی و انگلیسی پدیده و (نوعی ادبی) بنام باده گساری (خمریه) و «ساقی نامه» موجود نیست. فقط در اشعار عربی و پارسی این نوع ادبی بگسترده و وجود داشت و دارد. و در دین اسلام شراب نوشیدن {حرام} است.

//

کشف شراب

در اساطیر باستانی یونان و روم و دیونیوزس (Dionysus) که به نام باکوس (Baccous) نیز معروف است ، خدای تاکستان ها و شراب و جذبه محسوب شده است. دیونیوزس در آغاز جوانی انگور و طریقه استفاده از آن را کشف کرد. ( فرهنگ اساطیر یونان و روم ترجمه ی احمد بهمنش ص ۲۵۸) در ادبیات مسیحی کاشتن درخت انگور و اختراع آن را به یکی از پیامبران (...) نسبت داده اند. ( قاموس کتاب مقدس ، ج دوم، ۲۴۳ ) روایاتی کشف می را به جمشید نسبت داده اند. (حافظ و جام جم ، جوادبرومند ، ۸ ) در تفسیر طبری، آفرینش باده به قابیل نسبت داده شده است. (ترجمه ی تفسیر طبری ، ج ۲، ۴۰۱) و بالاخره عده ای شراب را آفریده ی دستان ابلیس می دانند. (صرفی ، مقدمه ای بر رمزگشایی ، ۱۸۷ ، ۱۸۸ ، ۱۸۹).